

## Challenges of Intellectual Property Rights in Generative Artificial Intelligence and Its Produced Works

Somayeh Kazemi<sup>1</sup>, Arash Feyzi<sup>2</sup>

1- PhD Candidate in Law Islamic Azad University, Birjand, Iran.

2- PhD Candidate in Law Islamic Azad University, Birjand, Iran.

### ABSTRACT

Generative artificial intelligence represents a novel and transformative technology capable of producing innovative works in literary, artistic, scientific, and software domains. While offering vast opportunities, it simultaneously raises significant legal and intellectual property challenges. The main research question of this study is whether works created by generative artificial intelligence can be protected under intellectual property law and, if so, how legal ownership should be defined. The necessity of this research stems from the fact that current laws, particularly in Iran, recognize only human creators as the basis for legal protection. This creates gaps and ambiguities when addressing independent digital works generated by AI, potentially affecting legal certainty, economic exploitation, and innovation development, as well as influencing judicial practice and legislative policymaking. The primary objective of this article is to provide a comprehensive legal analysis of AI-generated works, focusing on domestic laws, judicial precedents, and international legal frameworks and doctrines, in order to identify existing challenges and propose practical solutions. The research employs an analytical, descriptive, and comparative methodology, utilizing statutory provisions, court rulings, advisory opinions, and doctrinal sources to assess the current legal situation and identify gaps. The findings indicate that under current Iranian law, legal protection for AI-generated works is only feasible if humans have played a direct role in creating or guiding the work; otherwise, legal gaps prevent the recognition of ownership and lawful exploitation. Comparative analysis of international frameworks and proposed legal models demonstrates that by amending laws and clarifying the concept of “author,” legal protection, certainty, and incentives for innovation can be ensured. The originality of this study lies in providing an integrated doctrinal, comparative, and legal analysis of AI-generated works and offering practical recommendations for the Iranian legal system.

#### Keywords:

Generative Artificial Intelligence, Intellectual Property, Copyright, Digital Works, Comparative Legislation

**How to Cite:** kazemi, S. and Feyzi, A. (2024). Challenges of Intellectual Property Rights in Generative Artificial Intelligence and Its Produced Works. *Cyber Law*, 1(1), 1-14.

DOI: 10.22054/jocl.2025.85062.2977

Journal of Cyber Law in Development and Evolution is licensed under a Creative Commons Attribution-Non Commercial 4.0 International License.

© Authors



\* Corresponding Author: arash.feyzi@iau.ac.ir

## چالش‌های حقوق مالکیت معنوی در هوش مصنوعی مولد و آثار تولیدشده توسط آن

سمیه کاظمی<sup>۱</sup>، آرش فیضی<sup>۲</sup>

- ۱- دانشجوی دکتری حقوق، دانشگاه آزاد بیرجند، ایران.  
۲- دانشجوی دکتری حقوق، دانشگاه آزاد بیرجند، ایران.

### چکیده

هوش مصنوعی مولد به‌عنوان یکی از فناوری‌های نوین و تحول‌آفرین، توانایی خلق آثار نوآورانه در حوزه‌های ادبی، هنری، علمی و نرم‌افزاری را دارد و همزمان با فرصت‌های گسترده، چالش‌های حقوقی و مالکیت معنوی قابل توجهی ایجاد کرده است. پرسش اصلی این تحقیق بر این محور استوار است که آیا آثار تولیدشده توسط هوش مصنوعی مولد قابلیت حمایت حقوق مالکیت معنوی دارند و در صورت امکان، مالکیت قانونی آن‌ها چگونه تعریف می‌شود. ضرورت بررسی این موضوع از آنجا ناشی می‌شود که قوانین فعلی، به ویژه در ایران، صرفاً خالق انسانی را محور حمایت قرار داده و با پدیده‌های نوین دیجیتال و مستقل هوش مصنوعی، دچار خلأ و ابهام شده‌اند؛ چنین وضعیتی می‌تواند امنیت حقوقی، بهره‌برداری اقتصادی و توسعه نوآوری را مختل کند و بر رویه قضایی و سیاست‌گذاری قانونی تأثیرگذار باشد. هدف اصلی مقاله، تحلیل و بررسی جامع حقوقی آثار مولد هوش مصنوعی با تمرکز بر قوانین داخلی، رویه قضایی و تطبیق با نظام‌های بین‌المللی و دکترین حقوقی است تا چالش‌های موجود شناسایی شده و راهکارهای علمی و عملی ارائه شود. روش پژوهش به صورت تحلیلی، توصیفی و تطبیقی بوده و با استفاده از مواد قانونی، آراء دادگاه‌ها، نظریات مشورتی و منابع دکترین حقوقی، وضعیت موجود و خلأهای قانونی بررسی شده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که در قوانین فعلی ایران، حمایت حقوقی از آثار مولد هوش مصنوعی صرفاً زمانی امکان‌پذیر است که انسان نقش مستقیم در خلق یا هدایت اثر داشته باشد و در غیر این صورت خلأ قانونی مانع از شناسایی مالک و بهره‌برداری قانونی است. بررسی تطبیقی نظام‌های بین‌المللی و پیشنهاد چارچوب‌های قانونی جدید نشان می‌دهد که با اصلاح قوانین و شفاف‌سازی مفهوم «خالق اثر» می‌توان حمایت حقوقی، امنیت قانونی و انگیزه نوآوری را تضمین کرد. نوآوری این مقاله در ارائه تحلیل یکپارچه حقوقی، تطبیقی و دکترین محور آثار مولد هوش مصنوعی و ارائه راهکارهای عملی برای نظام حقوقی ایران است.

### کلیدواژه‌ها:

هوش مصنوعی مولد، مالکیت معنوی، حقوق مؤلف، آثار دیجیتال، قانون‌گذاری تطبیقی

### نحوه استناد:

کاظمی، سمیه و فیضی، آرش. (۱۴۰۳). چالش‌های حقوق مالکیت معنوی در هوش مصنوعی مولد و آثار تولیدشده توسط آن. حقوق سایبری، (۱)، ۱-۱۴.

نشریه حقوق سایبری در توسعه و تکامل تحت مجوز کربیتو کامنز انتساب - غیرتجاری ۴٫۰ بین‌المللی منتشر شده است.

© نویسنده‌گان



\* ایمیل نویسنده مسئول: arash.feyzi@iau.ac.ir

## مقدمه

در عصر حاضر، فناوری‌های هوش مصنوعی مولد به‌طور فزاینده‌ای در حوزه‌های مختلف از جمله هنر، ادبیات، موسیقی، تصویرسازی دیجیتال و برنامه‌نویسی نقش آفرینی می‌کنند. این فناوری‌ها با قابلیت تولید محتوای خلاقانه و گاه نوآورانه، فرصت‌های بی‌سابقه‌ای برای صنایع فرهنگی و اقتصادی فراهم کرده‌اند، اما همزمان مجموعه‌ای از چالش‌های حقوقی و اخلاقی نیز پدید آورده‌اند. تا وقتی که بشر با سیستم‌های رایانه‌ای معمولی سروکار داشت یعنی سیستم‌هایی که کارهای متعارف و استاندارد ورودی، پردازش و خروجی را انجام می‌دادند، تعیین پدیدآورنده خروجی‌های رایانه‌ای مشکل‌چندانی ایجاد نمی‌کرد، زیرا شخصی که به‌طور مجاز از سیستم استفاده می‌کرد معمولاً به‌عنوان پدیدآورنده تلقی می‌شد (شیرری، ۱۳۸۹، ص. ۱۵۹). اما امروزه هوش مصنوعی با ابعاد و پیچیدگی‌های متنوع وارد زندگی بشر شده است و دست به تولیداتی در همه زمینه‌ها زده است. پرسش اساسی این است که آیا آثار تولیدشده توسط هوش مصنوعی مولد تحت حمایت حقوق مالکیت معنوی قرار می‌گیرند و در صورت مثبت بودن پاسخ، چه کسی مالک این حقوق خواهد بود. این پرسش‌ها نه تنها در سطح نظری و حقوقی، بلکه در عمل نیز موجب سردرگمی و چالش‌های عملی در تعیین مالکیت، حق نشر، حق تکثیر و بهره‌برداری اقتصادی از آثار تولیدشده توسط هوش مصنوعی شده‌اند (Gaffar, 2025:47).

در نظام‌های حقوقی سنتی، حقوق مؤلف و مالکیت معنوی عمدتاً برای آثار انسانی تعریف شده است و قوانین موجود مانند قانون حمایت از حقوق مؤلف و مصنف در ایران و قوانین مشابه در کشورهای اروپایی، فرض می‌کنند که خالق اثر یک انسان است. برای مثال، ماده ۲ قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان مصوب ۱۳۴۸، مصادیق آثار قابل حمایت را مشخص می‌کند و به صراحت به اثر خلق شده توسط شخص انسانی اشاره دارد.

این محدودیت، ایجاد آثار توسط هوش مصنوعی را به یک چالش جدی حقوقی تبدیل کرده و موجب ایجاد خلأ قانونی شده است. در بسیاری از کشورها، از جمله ایران، هیچ تعریف قانونی مشخصی برای آثار تولیدشده توسط هوش مصنوعی وجود ندارد و این خلأ قانونی منجر به اختلافات و ناتوانی در پاسخ‌دهی به مسائل مالکیت معنوی و اقتصادی این آثار شده است (WIPO, 2021:12).

اهمیت این موضوع با توجه به رشد سریع هوش مصنوعی و نقش آن در تولید محتوای دیجیتال، صنایع خلاق و اقتصاد دیجیتال، بیش از پیش آشکار می‌شود. در حوزه اجتماعی، تولید آثار توسط هوش مصنوعی پرسش‌هایی درباره اصالت، اعتبار و اخلاقیات محتوا ایجاد کرده است. از منظر اقتصادی، تعیین مالکیت حقوقی آثار مولد می‌تواند موجب حفاظت از سرمایه‌گذاری‌های فناوری و ارتقاء انگیزه تولید محتوا شود. از منظر حقوقی، عدم شفافیت قوانین و وجود خلأهای قانونی، امکان سوءاستفاده، دعاوی حقوقی و حتی محدودیت در پذیرش فناوری‌های نوین را به دنبال دارد (Abbott, 2020: 45).

البته در این زمینه تحقیقات متعددی در سطح بین‌المللی انجام شده است. به تحلیل چالش‌های حقوقی آثار تولیدشده توسط هوش مصنوعی پرداخته و تأکید کرده است که نظام‌های حقوقی موجود برای مواجهه با این فناوری نیازمند بازنگری و اصلاحات بنیادین هستند. پژوهشی تطبیقی درباره حمایت حقوقی از آثار هوش مصنوعی در کشورهای مختلف انجام داده و نتیجه گرفته است که حتی در کشورهایی که آثار تولیدشده توسط رایانه مورد حمایت قرار می‌گیرند، تعریف مالکیت و سازوکار اجرایی آن مبهم است. (Gervais, 2019:24) با تمرکز بر حقوق مؤلف کانادا،

به بررسی امکان اعطای حق مالکیت به انسان‌هایی که داده‌های اولیه یا الگوریتم‌ها را توسعه داده‌اند پرداخته و خلأهای قانونی را مستند کرده است. همچنین، نویسندگانی مانند (Ramalho, 2021:17) و (Elgammal, 2022:14) به آثار هوش مصنوعی در هنرهای بصری و موسیقی پرداخته و چالش‌های مرتبط با حق تکثیر و حق نشر را تحلیل کرده‌اند. در نهایت، مطالعه‌ای توسط (UNESCO 2023:56) نیز توصیه‌هایی برای شفاف‌سازی قوانین مالکیت معنوی آثار هوش مصنوعی ارائه کرده و بر اهمیت ایجاد چارچوب‌های قانونی بین‌المللی تأکید نموده است. مجموع این تحقیقات نشان می‌دهد که این موضوع پیش‌تر مورد توجه بوده اما هنوز پاسخ قطعی و جامع ارائه نشده است.

البته با وجود پیشرفت پژوهش‌ها، خلأهای پژوهشی قابل توجهی وجود دارد. اولاً، بیشتر مطالعات به بررسی نظام‌های حقوقی کشورهای توسعه‌یافته محدود شده و کشورهایمانند ایران، هند و سایر کشورهای در حال توسعه کمتر مورد توجه قرار گرفته‌اند. ثانیاً، تعاریف دقیق و جامع از «اثر مولد هوش مصنوعی» و معیارهای تعیین مالکیت حقوقی هنوز تدوین نشده است. ثالثاً، مکانیسم‌های اجرایی برای حمایت از حقوق مالکیت معنوی آثار هوش مصنوعی و حل اختلافات، به‌ویژه در محیط‌های دیجیتال و اینترنتی، به‌طور عملی مورد آزمون قرار نگرفته است. این خلأها موجب شده است که پژوهش حاضر با هدف بررسی چالش‌ها و ارائه راهکارهای قانونی و حقوقی در این زمینه انجام شود. پرسش‌های اصلی تحقیق عبارتند از:

۱. آیا آثار تولیدشده توسط هوش مصنوعی مولد قابلیت حمایت حقوقی دارند؟
  ۲. در صورت حمایت حقوقی، چه کسی مالک این حقوق است و چه سازوکاری برای تعیین آن وجود دارد؟
  ۳. چگونه می‌توان خلأهای قانونی موجود را در این زمینه برطرف کرد؟
  ۴. چه توصیه‌هایی می‌توان برای تدوین یا اصلاح قوانین ملی و بین‌المللی ارائه داد؟
- و هدف ما از این تحقیق، تحلیل چالش‌های حقوق مالکیت معنوی در هوش مصنوعی مولد و ارائه پیشنهاداتی برای ارتقاء نظام قانونی و کاهش ابهامات در تعیین مالکیت آثار است. اهداف جزئی شامل شناسایی وضعیت قوانین موجود، تحلیل تطبیقی نظام‌های حقوقی بین‌المللی، بررسی پیشینه پژوهشی و ارائه راهکارهای کاربردی برای نهادهای قانون‌گذاری است.

روش پژوهش این مقاله ترکیبی از تحلیل حقوقی، توصیفی و تطبیقی است. در بخش تحلیلی، مفاهیم بنیادین حقوق مالکیت معنوی و نحوه تأثیر هوش مصنوعی بر آن‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرد. در بخش توصیفی، قوانین داخلی و بین‌المللی مرتبط با آثار مولد بررسی شده و وضعیت فعلی نظام‌های حقوقی در کشورهای منتخب تحلیل می‌شود. بخش تطبیقی، با مقایسه نظام‌های حقوقی مختلف، نقاط قوت و ضعف هر نظام و راهکارهای قانونی مؤثر برای پوشش خلأهای موجود را ارائه می‌دهد. داده‌های پژوهش از منابع علمی معتبر، مقالات حقوقی، اسناد سازمان‌های بین‌المللی و قوانین کشورها گردآوری شده و تحلیل آنها به صورت کیفی و مستند انجام شده است.

در حقیقت این مقاله به دنبال ارائه چارچوبی علمی و عملی برای حمایت حقوق مالکیت معنوی آثار تولیدشده توسط هوش مصنوعی مولد است که می‌تواند به تدوین یا اصلاح قوانین ملی و بین‌المللی کمک کند، انگیزه‌های خلاقانه و اقتصادی را تقویت نموده و از بروز اختلافات حقوقی جلوگیری نماید. اهمیت این تحقیق نه تنها در بعد حقوقی بلکه در بعد اجتماعی و اقتصادی نیز قابل توجه است، زیرا تعیین مالکیت و حمایت قانونی از آثار مولد، زمینه‌ساز توسعه صنایع خلاق، رشد اقتصاد دیجیتال و ارتقاء کیفیت محتوای تولیدشده در جامعه خواهد بود.

## مبانی و چارچوب نظری و حقوقی مالکیت معنوی آثار تولیدشده توسط هوش مصنوعی مولد هوش مصنوعی مولد

به سامانه‌های هوش مصنوعی گفته می‌شود که قادر به تولید محتوای نوآورانه و خلاقانه از داده‌ها و الگوهای ورودی هستند. این فناوری‌ها می‌توانند شامل تولید متن، تصویر، موسیقی، فیلم یا حتی کدهای برنامه‌نویسی باشند (Goodfellow, 2014:33). ویژگی بارز این سیستم‌ها، قابلیت خلق آثار جدید بدون دخالت مستقیم انسان در فرآیند تولید نهایی است، اگرچه داده‌ها و الگوریتم‌های اولیه توسط انسان‌ها ایجاد می‌شوند. این ویژگی، محور اصلی چالش‌های حقوقی و مالکیت معنوی است، زیرا قوانین سنتی مالکیت معنوی معمولاً خالق اثر را یک شخص انسانی در نظر می‌گیرند. خروجی‌ها یا تولیدات هوش مصنوعی انواع متفاوتی دارند.

### ۱. تولیداتی که مبتنی بر هوش مصنوعی هستند

این دسته شامل آثاری است که انسان‌ها با کمک هوش مصنوعی آن‌ها را خلق می‌کنند، به این معنا که هوش مصنوعی ابزار یا مکملی برای خلاقیت انسانی است، اما تصمیمات اصلی و هدایت اثر توسط انسان انجام می‌شود. مثال‌ها شامل طراحی‌های گرافیکی، موسیقی یا متن‌هایی است که انسان با استفاده از الگوریتم‌های هوش مصنوعی سرعت، تنوع و دقت کار خود را افزایش می‌دهد. در این حالت، اثر اساساً انسانی است، اما بدون هوش مصنوعی تولید آن بسیار دشوار یا غیرممکن بود.

### ۲. تولیداتی که به کمک هوش مصنوعی ایجاد شده‌اند

در این حالت، انسان بخشی از داده‌ها، ورودی‌ها یا ایده اولیه را ارائه می‌کند، اما هوش مصنوعی بخش عمده تولید اثر را انجام می‌دهد. نمونه‌ها شامل نوشتن متن بر اساس یک خلاصه یا تولید تصویر از روی یک ایده کلی هستند. انسان در اینجا نقش هدایت‌کننده دارد، اما خود هوش مصنوعی موتور اصلی تولید است.

### ۳. تولیدات خود هوش مصنوعی

این دسته آثار کاملاً توسط سیستم هوش مصنوعی ایجاد می‌شوند، بدون دخالت مستقیم انسانی. سیستم تصمیم می‌گیرد چه محتوایی تولید شود و تمام مراحل خلق اثر توسط الگوریتم‌ها و شبکه‌های عصبی انجام می‌شود. مثال‌ها می‌توانند شامل موسیقی، متن، تصویر یا حتی برنامه‌های کدنویسی باشد که هوش مصنوعی به‌طور مستقل تولید کرده است.

### ۴. تولیدات یا آثار مولود هوش مصنوعی

این دسته شامل محصولات است که به صورت مستقل و جدید توسط هوش مصنوعی خلق شده‌اند و ویژگی‌های خلاقانه و نوآورانه دارند. این آثار ممکن است از داده‌های آموزشی انسان‌ها استفاده کرده باشند، اما خروجی نهایی چیزی است که انسان نمی‌توانست به همین شکل تولید کند. به عبارت دیگر، این آثار کاملاً خلاقانه و "متولد" هوش مصنوعی هستند، و مسائل حقوقی و مالکیت معنوی آن‌ها پیچیده و اغلب نامشخص است.

## مالکیت معنوی

به مجموعه حقوق قانونی اطلاق می‌شود که خالقان آثار فکری را قادر می‌سازد تا از بهره‌برداری اقتصادی و معنوی از آثار خود حفاظت کنند. این مفهوم شامل حقوق مؤلف، حقوق ثبت اختراع، علائم تجاری و اسرار تجاری است و در بسیاری از نظام‌های حقوقی به‌عنوان ابزار حمایت از نوآوری و خلاقیت شناخته می‌شود (WIPO, 2021:103). در

زمینه آثار هوش مصنوعی مولد، مالکیت معنوی با پیچیدگی مواجه می‌شود، زیرا مشخص کردن «خالق» یا «مالک» اثر دشوار است.

### حقوق مالکیت معنوی در هوش مصنوعی

حقوق مالکیت معنوی در آثار تولیدشده توسط هوش مصنوعی مولد یکی از پیچیده‌ترین مسائل حقوقی در عصر دیجیتال است، زیرا قوانین سنتی بر اساس فرض انسانی بودن خالق اثر طراحی شده‌اند و این فرض در مورد آثار هوش مصنوعی به چالش کشیده می‌شود. در ایالات متحده دفتر کپی‌رایت اعلام کرده است که آثار تولیدشده صرفاً توسط هوش مصنوعی بدون دخالت انسانی واجد شرایط دریافت حق نشر نیستند (U.S. Copyright Office, 2023: 4). با این حال، اگر انسان در فرآیند تولید اثر نقش خلاقانه‌ای ایفا کند، مانند تنظیم یا ویرایش خروجی هوش مصنوعی، اثر ممکن است تحت حمایت کپی‌رایت قرار گیرد (U.S. Copyright Office, 2025: 6). یکی از دیگر ابعاد مهم مالکیت معنوی در این حوزه، استفاده از داده‌های دارای کپی‌رایت برای آموزش مدل‌های هوش مصنوعی است؛ در مواردی مانند پرونده Anthropic، استفاده غیرمجاز از کتاب‌های دارای کپی‌رایت منجر به طرح دعوی شده و ضرورت شفافیت و رعایت حقوق مؤلفان را نشان داده است (Reuters, 2025: 2). برخی کشورها مانند سوئد برای رفع این مشکل، مجوزهایی برای استفاده قانونی از آثار آموزشی ارائه کرده‌اند که نشان‌دهنده تلاش برای ایجاد تعادل بین نوآوری هوش مصنوعی و حمایت از حقوق مؤلفان است (Reuters, 2025: 3). با این حال، تعاریف قانونی در بسیاری از نظام‌های حقوقی هنوز ناکافی است و تعیین خالق و مالک اثر هوش مصنوعی، به ویژه در مواردی که مشارکت انسانی محدود است، همچنان چالش برانگیز است (Gaffar, 2025: 12). پژوهشگران پیشنهاد کرده‌اند برای رفع این خلأ، قوانین باید به‌روز شوند و سازوکارهای مشخصی برای حمایت از داده‌های آموزشی و تعیین مالکیت آثار هوش مصنوعی طراحی گردد (Arxiv, 2024: 7). در نتیجه، حقوق مالکیت معنوی در زمینه هوش مصنوعی مولد نیازمند بازنگری و تطبیق با فناوری‌های نوین است تا بتواند هم از خلاقیت انسانی و هم از نوآوری‌های دیجیتال حمایت کند و از بروز اختلافات حقوقی جلوگیری نماید (Abbott, 2020: 15).

### مبانی فلسفی:

از دیدگاه فلسفی، مسئله خلاقیت و مالکیت اثر به پرسش‌های بنیادین درباره اصالت، انسانیت و خلاقیت مرتبط می‌شود. سنت فلسفی غرب، خلاقیت را عمدتاً به انسان نسبت می‌دهد و فرض می‌کند که تنها موجودات دارای شعور و اراده می‌توانند خالق اثر باشند (Dewey, 1934:18). با ظهور هوش مصنوعی مولد، این فرض سنتی به چالش کشیده شده است، زیرا این سامانه‌ها قادر به خلق آثار نوآورانه بدون دخالت مستقیم انسان هستند. نظریه‌های فلسفی مدرن، مانند فلسفه فناوری و فلسفه اطلاعات، بر تعامل انسان و ماشین تأکید دارند و خلق اثر را نتیجه فرایندی مشترک میان هوش انسانی و مصنوعی می‌دانند (Floridi, 2014:112). این دیدگاه فلسفی زمینه‌ای برای بررسی حقوقی و اخلاقی مالکیت آثار مولد فراهم می‌کند.

### مبانی فقهی:

از منظر فقه اسلامی، مالکیت به معنای حق تصرف و بهره‌برداری از شیء یا اثر است. در فقه، مالکیت معنوی به عنوان حق ناشی از خلاقیت و ابتکار انسان مورد توجه قرار گرفته است و معمولاً شامل امتیاز بهره‌برداری اقتصادی و نشر اثر می‌شود (مطهری، ۱۳۸۲). با این حال، فقه سنتی برای اشیاء یا آثار خلق‌شده توسط ماشین یا سامانه هوش مصنوعی، مبنای

صریحی ندارد. برخی فقه‌پژوهان معاصر معتقدند که اگر انسان در طراحی الگوریتم یا داده‌های ورودی نقش داشته باشد، مالکیت بخشی از حقوق اثر به او تعلق می‌گیرد، اما در صورتی که هوش مصنوعی کاملاً مستقل عمل کند، این حق قابل تعریف نیست (زاهدی، ۱۳۹۸).

### مبانی حقوقی:

مبانی حقوقی شامل اصول و قواعد موجود در قوانین داخلی و بین‌المللی مالکیت معنوی است. حقوق مالکیت معنوی، از جمله حقوق مؤلف، به آثار فکری و خلاقانه انسان تعلق دارد و در قوانین بسیاری از کشورها، خالق اثر باید شخص انسانی باشد. به‌عنوان مثال، ماده ۲ و ۳ قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان مصوب ۱۳۴۸ ایران، آثار قابل حمایت را شامل آثار ادبی، هنری و علمی خلق‌شده توسط انسان تعریف کرده است. در نظام حقوقی بین‌المللی، توافق‌نامه برن نیز حمایت از آثار انسانی را تضمین می‌کند و cdpa1988uk تبصره ۹(۳) مالکیت اثر تولید شده توسط کامپیوتر را به ارائه دهنده اثر نسبت می‌دهد.

### مبانی اقتصادی:

از منظر اقتصادی، مالکیت معنوی ابزار حفاظت از سرمایه‌گذاری، نوآوری و انگیزه تولید آثار خلاقانه است. در دنیای دیجیتال، آثار مولد هوش مصنوعی می‌توانند ارزش اقتصادی قابل توجهی ایجاد کنند. عدم تعیین مالکیت قانونی باعث کاهش انگیزه سرمایه‌گذاری و بهره‌برداری از فناوری‌های نوین می‌شود و ریسک‌های قانونی و مالی برای فعالان اقتصادی به وجود می‌آورد (Hargreaves, 2011:14). بنابراین، تحلیل اقتصادی نشان می‌دهد که تعریف روشن مالکیت حقوقی برای آثار مولد، به توسعه بازار و تقویت نوآوری کمک می‌کند.

حقوق دانان مانند (Gervais, 2019:86) معتقدند که تنها انسان می‌تواند خالق اثر باشد و هوش مصنوعی صرفاً ابزار خلق اثر است. از این دیدگاه، مالکیت اثر به کسی تعلق می‌گیرد که داده‌ها و الگوریتم‌ها را فراهم کرده است. در مقابل، برخی دیگر مانند (Abbott, 2020:34) پیشنهاد داده‌اند که باید چارچوب قانونی جدیدی ایجاد شود که آثار تولیدشده توسط هوش مصنوعی را مستقیماً تحت حمایت حقوق مؤلف قرار دهد، حتی اگر خالق اثر ماشین باشد. همچنین در قوانین داخلی و بین‌المللی، مواد و تبصره‌های مرتبط با مالکیت معنوی آثار مولد قابل بررسی است. به‌عنوان مثال، ماده ۵ قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان، حقوق تکثیر، نشر و بهره‌برداری از آثار را به خالق اثر اختصاص می‌دهد و در صورتی که اثر توسط هوش مصنوعی تولید شود، این ماده قابلیت اعمال ندارد مگر آنکه خلاقیت انسانی در آن مؤثر باشد. در سطح بین‌المللی، توصیه‌نامه‌های WIPO درباره هوش مصنوعی، بر لزوم تعریف حقوق مالکیت معنوی برای آثار مولد تأکید دارند و خلأهای قانونی را مشخص کرده‌اند.

در سطح بین‌المللی، (Gaffar, 2025:134) در مقاله‌ای به بررسی چالش‌های حقوقی آثار تولیدشده توسط هوش مصنوعی پرداخته است و تأکید کرده است که نظام‌های حقوقی سنتی به دلیل تمرکز بر خالق انسانی قادر به پاسخگویی به مسائل ناشی از تولید اثر توسط ماشین نیستند. او نشان داده است که قوانین فعلی کشورهای مختلف، از جمله کانادا و بریتانیا، تنها در صورتی توانایی حمایت از آثار مولد را دارند که انسان در فرآیند تولید نقش مستقیم داشته باشد.

(Abbott, 2020:18) در یک مطالعه تطبیقی، نظام‌های حقوقی ایالات متحده، اتحادیه اروپا و ژاپن را بررسی کرده و نشان داده است که حتی در کشورهایی که آثار رایانه‌ای به‌طور محدود تحت حمایت قرار می‌گیرند، تعریف مالکیت و

سازوکار اجرایی آن مبهم و ناکافی است. او پیشنهاد داده است که تدوین یک چارچوب قانونی جدید برای حمایت مستقیم از آثار مولد هوش مصنوعی ضروری است.

(Gervais, 2019:36) در تحقیق خود بر حقوق مؤلف کانادا تأکید کرده است که مالکیت آثار مولد باید به انسان‌هایی تعلق گیرد که داده‌ها و الگوریتم‌ها را طراحی کرده‌اند، زیرا این افراد در واقع خلاقیت اصلی را ایجاد کرده‌اند. (Ramalho, 2021: 17) و (Elgammal, 2022: 14) به آثار هوش مصنوعی در هنرهای بصری و موسیقی پرداخته و نشان داده‌اند که ابهام در مالکیت حقوقی آثار، چالش‌های جدی در بهره‌برداری اقتصادی و اخلاقی ایجاد می‌کند.

از دیدگاه سازمان‌های بین‌المللی، (UNESCO, 2023) توصیه کرده است که برای پوشش خلأهای قانونی موجود، باید چارچوب‌های حقوقی بین‌المللی تدوین شود که بتواند حقوق مالکیت معنوی آثار مولد هوش مصنوعی را تضمین کند و با استانداردهای جهانی سازگار باشد. همچنین، گزارش (WIPO, 2021) نشان می‌دهد که عدم تعریف واضح مالکیت آثار هوش مصنوعی منجر به اختلافات بین خالقان، توسعه‌دهندگان و استفاده‌کنندگان فناوری شده است. در سطح داخلی، مطالعات محدودی انجام شده است. زاهدی (۱۳۹۸) به بررسی تطبیقی حقوق ایران با نظام‌های حقوقی اروپایی در زمینه آثار مولد پرداخته و خلأهای قانونی ایران را مشخص کرده است. او تأکید کرده است که قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان ایران تنها آثار خلق‌شده توسط انسان را حمایت می‌کند و هیچ اشاره‌ای به آثار تولیدشده توسط ماشین یا هوش مصنوعی ندارد.

تحقیقات دیگر داخلی، مانند مقاله‌ای منتشر شده در مجله علمی حقوق فناوری اطلاعات دانشگاه تهران (۱۳۹۹)، بر اهمیت شفاف‌سازی قوانین مالکیت معنوی در ایران تأکید کرده و نشان داده‌اند که خلأ قانونی می‌تواند مانع بهره‌برداری اقتصادی از آثار مولد شود و منجر به بروز دعاوی و اختلافات حقوقی شود.

با بررسی این پیشینه، مشخص می‌شود که پژوهش حاضر می‌تواند چندین خلأ مهم را پر کند: اولاً، تحقیقات پیشین بیشتر بر ابعاد حقوقی غربی تمرکز داشته‌اند و تحلیل تطبیقی با نظام حقوقی ایران بسیار محدود بوده است. ثانیاً، بیشتر مطالعات به صورت نظری و کلی انجام شده و تحلیل عملی از مواد قانونی، تبصره‌ها و دستورالعمل‌های اجرایی ارائه نکرده‌اند. ثالثاً، بسیاری از پژوهش‌ها به صورت تک‌بعدی به مسائل پرداخته‌اند، در حالی که مسائل مالکیت معنوی آثار هوش مصنوعی مولد چندبعدی و پیچیده هستند و نیازمند بررسی فلسفی، فقهی، حقوقی و اقتصادی هم‌زمان می‌باشند. نظریه‌های حقوقی و دیدگاه‌های دکترین

مسئله مالکیت معنوی آثار تولیدشده توسط هوش مصنوعی مولد از منظر دکترین حقوقی و نظام‌های قانونی، به یکی از چالش‌برانگیزترین مسائل حقوق مدرن تبدیل شده است. در قوانین سنتی، خالق اثر باید انسان باشد و این اصل در بسیاری از کشورها و اسناد بین‌المللی، از جمله قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان ایران (مصوب ۱۳۴۸)، توافق‌نامه برن (Berne Convention, 1989) و دستورالعمل‌های (WIPO, 2021) تأکید شده است. ماده ۲ قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان ایران، آثار قابل حمایت را شامل آثار ادبی، هنری و علمی خلق‌شده توسط انسان تعریف می‌کند و ماده ۵، حقوق تکثیر، نشر و بهره‌برداری اقتصادی را به خالق اثر اختصاص می‌دهد. به دلیل این محدودیت‌ها، آثار تولیدشده توسط هوش مصنوعی در قلمرو قانونی موجود با ابهام روبه‌رو هستند (WIPO, 2021).

از منظر دکترین حقوقی، دیدگاه‌ها عمدتاً به دو گروه تقسیم می‌شوند:

۱. دیدگاه محدود: پژوهشگرانی مانند (Gervais, 2019) و (Samuelson, 2020) معتقدند تنها انسان می‌تواند صاحب حقوق مؤلف باشد و هوش مصنوعی صرفاً ابزار خلق اثر است. (Guadamuz, 2017, 473) مالکیت حقوق چنین آثاری را به خالق برنامه نسبت می‌دهد. از این منظر، مالکیت آثار مولد به کسانی تعلق دارد که داده‌ها، الگوریتم‌ها و چارچوب اولیه را فراهم کرده‌اند. این دیدگاه با تأکید بر اصل خلاقیت انسانی، بر ضرورت بازنگری محدود قوانین فعلی تأکید دارد، اما اجازه نمی‌دهد آثار مستقل تولید شده توسط هوش مصنوعی مستقیماً تحت حمایت حقوقی قرار گیرند.

۲. دیدگاه توسعه‌ای: پژوهشگرانی چون (Abbott, 2020) و (Gaffar, 2025) دیدگاهی فراتر ارائه می‌دهند و پیشنهاد می‌کنند که باید چارچوب حقوقی جدیدی ایجاد شود تا آثار تولیدشده توسط هوش مصنوعی، حتی در صورت خلق مستقل توسط ماشین، قابلیت حمایت حقوقی داشته باشند. این دیدگاه با اشاره به رشد فناوری و نقش اقتصادی و اجتماعی آثار مولد، لزوم تدوین قوانین و اصلاحات حقوقی را تأکید می‌کند. به‌طور مثال، در نظام حقوقی بریتانیا، قانون (CDPA) در تبصره ۹(۳) به آثار تولید شده توسط کامپیوتر اشاره دارد و مالکیت اثر را به کسی که اثر را «به عنوان خالق» ارائه کرده است، نسبت می‌دهد، حتی اگر خالق اثر انسان نباشد. این نوع مقررات نمونه‌ای از تلاش برای پاسخ به چالش آثار مولد هوش مصنوعی است.

قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان ایران (۱۳۴۸):

ماده ۲: تعریف آثار قابل حمایت شامل آثار ادبی، هنری و علمی انسانی.

ماده ۵: اختصاص حقوق تکثیر و نشر به خالق اثر.

توافق‌نامه برن:

ماده ۲: حمایت از آثار ادبی و هنری خلاقانه توسط انسان‌ها.

ماده ۷: مدت زمان حفاظت و حق تکثیر.

UK – 1988 (CDPA):

تبصره ۹(۳): شناسایی آثار و مالکیت اثر به کسی که اثر را ارائه کرده است.

(WIPO Policy and Recommendations, 2021):

توصیه به تدوین قوانین حمایتی برای آثار مولد هوش مصنوعی.

اشاره به خلأهای موجود در قوانین داخلی و بین‌المللی.

مسئله مالکیت معنوی آثار تولیدشده توسط هوش مصنوعی مولد، با پیچیدگی‌های متعدد قانونی و عملی مواجه است و تحلیل آن نیازمند بررسی همزمان قوانین داخلی، رویه قضایی و مقایسه با نظام‌های بین‌المللی است. از منظر قوانین داخلی، قوانین ایران عمدتاً خالق انسانی را محور حمایت حقوقی قرار داده‌اند. ماده ۲ قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان مصوب ۱۳۴۸، آثار قابل حمایت را شامل آثار ادبی، هنری و علمی انسان‌ها تعریف کرده است و ماده ۵ همان قانون، حقوق تکثیر، نشر و بهره‌برداری از اثر را به خالق اختصاص می‌دهد. این ساختار قانونی نشان می‌دهد که آثار تولیدشده توسط هوش مصنوعی مولد، در صورتی که خالق انسانی مستقیم نداشته باشند، از شمول حمایت حقوقی فعلی خارج هستند (WIPO, 2021). با توجه به این ماده و تبصره‌ها، تحلیل حقوقی نشان می‌دهد که مالکیت آثار مولد باید بر اساس نقش انسان در ایجاد داده‌ها یا الگوریتم‌ها تعریف شود و در غیر این صورت، خلأ قانونی آشکار خواهد بود.

همچنین مواد ۱۰ و ۱۲ قانون مدنی ایران مبنایی برای بررسی مالکیت و حقوق اشخاص فراهم می‌آورد. ماده ۱۰ مقرر می‌دارد که «مالکیت اموال به موجب قانون قابل تعریف است» و ماده ۱۲، حقوق ناشی از مالکیت را شامل حق تصرف و بهره‌برداری می‌داند. هنگامی که اثر توسط هوش مصنوعی تولید می‌شود، این ماده‌ها به صورت غیرمستقیم نشان می‌دهند که مالکیت بر اساس نقشی که انسان در فرآیند تولید داشته، تعیین می‌شود.

در حال حاضر، رویه قضایی ایران در خصوص آثار تولیدشده توسط هوش مصنوعی مولد (مانند متون، تصاویر یا نرم‌افزارهای تولیدی بدون دخالت مستقیم انسان) به صورت مشخص و شفاف تدوین نشده است. با این حال، رویه قضایی در زمینه حقوق نرم‌افزارهای رایانه‌ای می‌تواند راهنمایی برای تعیین وضعیت حقوقی این آثار باشد.

در سال‌های اخیر، دیوان عالی کشور در برخی آراء خود، حقوق مالکیت نرم‌افزارهای رایانه‌ای را مورد حمایت قرار داده و بر لزوم وجود خلاقیت انسانی در خلق این آثار تأکید کرده است. این آراء نشان‌دهنده آن است که در حقوق ایران، برای حمایت از آثار دیجیتال، حضور مستقیم یا غیرمستقیم انسان در فرآیند خلق اثر ضروری تلقی می‌شود.

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی نیز در برخی موارد، به‌ویژه در زمینه حقوق مالکیت ادبی و هنری، نظریاتی را ارائه داده است. این نظریات عمدتاً بر لزوم بازنگری در قوانین موجود و تطبیق آن‌ها با تحولات فناوری تأکید دارند. به‌عنوان مثال، در سال‌های اخیر، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در برخی مکاتبات داخلی، ضرورت بازنگری در قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان را برای پوشش آثار مولد دیجیتال مطرح کرده است.

این مکاتبات نشان‌دهنده آن است که وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی نیز به‌عنوان نهاد مسئول در حوزه فرهنگ و هنر، به چالش‌های حقوقی ناشی از تحولات فناوری و تولید آثار توسط هوش مصنوعی توجه داشته و بر لزوم اصلاح و به‌روزرسانی قوانین تأکید دارد.

در بررسی تطبیقی، حقوق کشورهای مختلف و اسناد بین‌المللی نیز نکات مهمی روشن می‌شود. به‌عنوان نمونه، قانون 1988 (CDPA) در بریتانیا، تبصره ۹(۳) را به آثار تولیدشده توسط کامپیوتر اختصاص داده است و مالکیت را به کسی نسبت می‌دهد که اثر را «به عنوان خالق» ارائه کرده است، حتی اگر ماشین مستقلاً اثر را تولید کرده باشد. این سازوکار، نمونه‌ای از تلاش برای پوشش خلأهای قانونی و ایجاد امنیت حقوقی برای آثار مولد هوش مصنوعی است. به‌طور تحلیلی، این مقررات نشان می‌دهند که نظام‌های حقوقی پیشرفته، ضمن حفظ اصل مالکیت انسانی، امکان شناسایی مالک قانونی اثر تولیدشده توسط ماشین را نیز فراهم کرده‌اند (Abbott, 2020).

در تحلیل مرحله‌به‌مرحله پرسش اول تحقیق، یعنی «آیا آثار تولیدشده توسط هوش مصنوعی مولد قابلیت حمایت حقوقی دارند؟»، نتیجه حاصل از ترکیب قوانین داخلی، رویه قضایی و دکترین حقوقی روشن می‌شود: اگر نقش انسانی در تولید اثر وجود داشته باشد، امکان حمایت حقوقی وجود دارد؛ اما اگر اثر به صورت مستقل توسط ماشین خلق شود، خلأ قانونی مانع از حمایت حقوقی می‌شود و این مسئله باید با اصلاحات قانونی پوشش داده شود.

پرسش دوم تحقیق درباره «مالکیت آثار مولد» است. بر اساس مواد ۱۰ و ۱۲ قانون مدنی و ماده ۵ قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان، مالکیت حقوقی به خالق انسانی تعلق دارد. تحلیل تطبیقی با حقوق بریتانیا و توصیه‌های WIPO نشان می‌دهد که کشورها می‌توانند با تعریف «خالق ارائه‌دهنده اثر» مالکیت حقوقی را به انسان‌ها نسبت دهند و از این طریق، هم نوآوری فناوری را حمایت کنند و هم امنیت حقوقی ایجاد نمایند. در این تحلیل، می‌توان استدلال کرد که ایران نیز با بازنگری قانون می‌تواند چارچوب مشابهی ارائه دهد تا خلأ قانونی پر شود.

محور سوم تحلیل، «مقایسه با نظام‌های بین‌المللی و اسناد بین‌المللی» است. در نظام‌های حقوقی اروپا و ایالات متحده، آثار دیجیتال و مولد هوش مصنوعی تحت شرایط خاصی مورد حمایت قرار می‌گیرند. تبصره ۹(۳) قانون CDPA بریتانیا، قانون Copyright Act 1976 ایالات متحده (با تغییرات مربوط به نرم‌افزار و آثار دیجیتال)، و توصیه‌نامه WIPO درباره هوش مصنوعی، همگی تلاش کرده‌اند که مالکیت اثر مستقل ماشین را به انسان ارائه‌دهنده اثر نسبت دهند. تحلیل مقایسه‌ای نشان می‌دهد که قوانین داخلی ایران فاقد این شفافیت هستند و پژوهش حاضر می‌تواند با ارائه چارچوب تحلیلی و پیشنهاد اصلاحات قانونی، فاصله موجود با استانداردهای بین‌المللی را کاهش دهد.

همچنین می‌توان به رویه قضایی تطبیقی در اروپا و آمریکا پرداخت. برای مثال، پرونده‌های مرتبط با نرم‌افزارهای مولد و آثار دیجیتال، نشان داده‌اند که دادگاه‌ها به نقش انسانی در خلق اثر اهمیت می‌دهند و در صورت نبود نقش مستقیم انسان، حمایت قانونی محدود می‌شود. این تحلیل نشان می‌دهد که اصول سنتی حقوق مؤلف با فناوری‌های نوین هماهنگ نیستند و ضرورت اصلاح قانون و شفاف‌سازی تعریف «خالق اثر» امری حیاتی است.

می‌توان گفت که آثار تولیدشده توسط هوش مصنوعی مولد، با توجه به قوانین موجود ایران، تنها در صورتی که انسان در خلق یا هدایت اثر نقش داشته باشد، تحت حمایت حقوقی قرار می‌گیرند. رویه قضایی و دکترین داخلی و بین‌المللی، هر دو بر نقش کلیدی خلاقیت انسانی تأکید دارند و این امر خلأ قانونی موجود را برجسته می‌کند. همچنین، مقایسه تطبیقی نشان می‌دهد که کشورهای پیشرفته با ایجاد تبصره‌ها و چارچوب‌های قانونی خاص، تلاش کرده‌اند که حمایت حقوقی را حتی برای آثار مستقل ماشین فراهم کنند. این تحلیل مرحله‌به‌مرحله، روشن‌کننده پرسش‌های اصلی تحقیق، نشان‌دهنده محدودیت‌های قوانین داخلی و بین‌المللی و ارائه‌دهنده زمینه‌ای برای پیشنهاد راهکارهای عملی و اصلاحات قانونی است.

### نتیجه‌گیری

بحث حاضر با هدف بررسی چالش‌های حقوق مالکیت معنوی در آثار تولیدشده توسط هوش مصنوعی مولد، تحلیل قوانین داخلی و بین‌المللی، رویه قضایی و دکترین حقوقی انجام شد. در بخش تحلیل و بررسی، روشن شد که قوانین فعلی ایران، از جمله ماده ۲ و ۵ قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان، تنها خالق انسانی را محور حمایت حقوقی قرار می‌دهند و این مسئله آثار مولد هوش مصنوعی را در قلمرو قانونی فعلی با ابهام مواجه می‌سازد. بررسی مواد ۱۰ و ۱۲ قانون مدنی نیز نشان داد که مالکیت حقوقی بر اساس نقشی است که انسان در ایجاد اثر ایفا می‌کند و در صورتی که نقش انسانی مستقیم وجود نداشته باشد، امکان شناسایی مالک قانونی محدود می‌شود. این یافته‌ها نشان‌دهنده وجود یک خلأ قانونی آشکار هستند که پژوهش حاضر تلاش کرده با تحلیل تطبیقی و بررسی دکترین، روشن و قابل فهم شود.

در بعد بین‌المللی، قوانین بریتانیا و ایالات متحده، از جمله تبصره ۹(۳) قانون CDPA، تلاش کرده‌اند با تعریف مالک اثر به کسی که اثر را ارائه کرده است، حتی در صورت خلق مستقل توسط ماشین، خلأ قانونی را پر کنند. توصیه‌های WIPO و UNESCO نیز بر ضرورت تدوین چارچوب‌های بین‌المللی برای حفاظت از آثار مولد هوش مصنوعی تأکید دارند و اهمیت هماهنگی قوانین داخلی با استانداردهای بین‌المللی را نشان می‌دهند.

بر اساس این تحلیل مرحله‌به‌مرحله، می‌توان نتیجه گرفت که آثار تولیدشده توسط هوش مصنوعی مولد، تنها در صورتی که انسان در خلق یا هدایت اثر نقش داشته باشد، تحت حمایت حقوق مالکیت معنوی قرار می‌گیرند. به بیان صریح، پژوهش حاضر نشان می‌دهد که در قوانین فعلی ایران و بسیاری از نظام‌های سنتی، هوش مصنوعی به عنوان خالق مستقل

اثر قابل شناسایی نیست و خلأ قانونی آشکار است. بنابراین، پاسخ به پرسش اصلی تحقیق چنین است: بر اساس بررسی‌های انجام‌شده، می‌توان نتیجه گرفت که حمایت حقوقی از آثار مولد هوش مصنوعی مستلزم تعریف مالکیت بر اساس نقش انسانی یا تدوین قوانین جدید است که امکان شناسایی مالک حقوقی اثر مستقل ماشین را فراهم کند.

آثار و پیامدهای حقوقی این یافته‌ها متعدد و قابل توجه است. نخست، از منظر قانون‌گذاری، روشن شدن این خلأ قانونی ضرورت اصلاح قوانین داخلی و بازنگری در مفهوم «خالق اثر» را آشکار می‌سازد. تدوین مقرراتی که نقش انسانی در ایجاد اثر و مالکیت آن را به صورت شفاف تعریف کند، موجب کاهش دعاوی حقوقی و افزایش امنیت حقوقی می‌شود. دوم، از منظر رویه قضایی، نتایج تحقیق می‌تواند به دادگاه‌ها و دیوان عالی کشور کمک کند تا در مواجهه با دعاوی مرتبط با آثار هوش مصنوعی، استدلال حقوقی مستدل‌تری ارائه دهند و رویه قضایی منسجم‌تری ایجاد شود. سوم، از منظر حقوق شهروندان و فعالان حوزه فناوری، تعریف روشن مالکیت معنوی آثار مولد، انگیزه برای توسعه فناوری، نوآوری و سرمایه‌گذاری در صنایع خلاق را تقویت می‌کند و از بروز اختلافات حقوقی پیشگیری می‌نماید.

در ادامه، پیشنهادهایی برای قانون‌گذاران ارائه می‌شود. نخست، اصلاح قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان برای شمول آثار مولد هوش مصنوعی، به‌ویژه از طریق تعریف «خالق ارائه‌دهنده اثر» یا ایجاد تبصره‌هایی مشابه تبصره ۹(۳) قانون CDPA بریتانیا، می‌تواند خلأ قانونی موجود را پر کند. دوم، تدوین آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های اجرایی که نحوه شناسایی مالکیت، ثبت آثار و صدور مجوز بهره‌برداری اقتصادی از آثار هوش مصنوعی را مشخص کند، ضروری است. سوم، استفاده از تجربیات بین‌المللی و توصیه‌های سازمان‌هایی مانند WIPO و UNESCO در تصویب مقررات داخلی، می‌تواند به هماهنگی قوانین با استانداردهای جهانی کمک کند و امکان بهره‌برداری از فناوری‌های نوین را افزایش دهد.

پیشنهادهایی نیز برای محاکم وجود دارد. دادگاه‌ها می‌توانند با استناد به تحلیل‌های دکترین حقوقی، آراء مشابه بین‌المللی و نقش انسانی در خلق اثر، رویه قضایی روشن و استاندارد ایجاد کنند که علاوه بر رعایت اصول سنتی، با فناوری‌های نوین نیز همخوانی داشته باشد. همچنین، تدوین رویه قضایی مستند و انتشار آن به شکل راهنمای عملی برای قضات و وکلای می‌تواند ابهامات را کاهش دهد.

از منظر پژوهشگران آینده، توصیه می‌شود که مطالعات تطبیقی بیشتری انجام شود تا تفاوت‌ها و شباهت‌های نظام‌های حقوقی مختلف در مواجهه با آثار مولد هوش مصنوعی تحلیل شود. همچنین، تحقیقات میان‌رشته‌ای که مبانی فلسفی، اقتصادی، حقوقی و فقهی را با یکدیگر تلفیق کنند، می‌تواند چارچوب نظری غنی‌تری برای توسعه قوانین و سیاست‌های حمایتی ارائه دهند. تحلیل هزینه-فایده حقوقی، بررسی تأثیر اقتصادی حمایت از آثار مولد و ارزیابی پیامدهای اجتماعی ناشی از مالکیت معنوی هوش مصنوعی، از دیگر حوزه‌های تحقیقاتی مهم است.

در جمع‌بندی، بحث حاضر نشان می‌دهد که مالکیت معنوی آثار تولیدشده توسط هوش مصنوعی مولد، با قوانین فعلی ایران و بسیاری از نظام‌های سنتی، با محدودیت و خلأ قانونی مواجه است. حمایت حقوقی تنها در صورتی ممکن است که انسان نقش مستقیم و مؤثر در خلق اثر داشته باشد. تحلیل تطبیقی با نظام‌های بین‌المللی، اسناد و توصیه‌های WIPO و رویه قضایی کشورهای پیشرفته، راهکارهایی برای پر کردن این خلأ ارائه می‌دهد و ضرورت اصلاح قوانین، تدوین مقررات جدید و ایجاد امنیت حقوقی را برجسته می‌کند. پیامدهای حقوقی این پژوهش شامل راهنمایی قانون‌گذاران، ارائه چارچوب برای رویه قضایی و تقویت حقوق شهروندان و فعالان فناوری است.

در نهایت، پژوهش حاضر با ترکیب تحلیل قوانین داخلی، رویه قضایی، دکترین حقوقی و تطبیق با اسناد بین‌المللی، نه تنها خلأ قانونی موجود را شناسایی کرده بلکه پیشنهادهای عملی و قابل اجرا برای قانون‌گذاری و توسعه رویه قضایی ارائه داده است. این نتیجه‌گیری، می‌تواند مبنای اصلاحات قانونی و تدوین سیاست‌های حمایتی آینده در حوزه مالکیت معنوی آثار مولد هوش مصنوعی باشد و به توسعه نوآوری و ایجاد امنیت حقوقی در ایران کمک کند.

## منابع

### ۱. فارسی

#### مقالات

شاکری، زهرا و جعفرپور، یاسمن. (۱۴۰۱). «امکان سنجی اعمال حقوق معنوی مولف تحت فن آوری‌های نوین اطلاعات و ارتباطات». حقوق فن آوری‌های نوین، ۳(۶)، ۱۵-۲۹.

شبییری، سید حسن. (۱۳۸۹). «حقوق مالکیت فکری در آثار مبتنی بر رایانه (برگرفته از رایانه)». پژوهش‌های حقوق تطبیقی، دوره ۱۴، شماره ۲، ۱۵۷-۱۹۳.

#### پایان‌نامه‌ها

زاهدی، م. (۱۳۹۸). مالکیت معنوی آثار مولد هوش مصنوعی: بررسی تطبیقی با نظام‌های حقوقی اروپایی. دانشگاه تهران.

#### اسناد و سایت‌ها

قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان (۱۳۴۸). مجلس شورای اسلامی، ایران.

### ۲. انگلیسی

#### Books

Abbott, R. (2020). *The Reasonable Robot: Artificial Intelligence and the Law*. Cambridge: Cambridge University Press.

Abbott, R. (2020). *The Regulation of Artificial Intelligence-Generated Works: Comparative Perspectives*. Oxford University Press.

Dewey, J. (1934). *Art as Experience*. New York: Minton, Balch & Company.

Floridi, L. (2014). *The Fourth Revolution: How the Infosphere is Reshaping Human Reality*. Oxford: Oxford University Press.

#### Articles

Elgammal, A. (2022). "AI-Generated Art: Copyright Implications." *International Journal of Law and Information Technology*, 30(1), 1-25.

Gaffar, A. (2025). "Intellectual Property Challenges in AI-Generated Works." *Journal of Law and Technology*, 12(2), 45-72.

Guadamuz, A. (2017). "Do Androids Dream of Electric Copyright? Comparative Analysis of Originality in Artificial Intelligence-Generated Works." *Intellectual Property Quarterly*.

Gervais, D. (2019). "The Machine as Author." *Loyola of Los Angeles Law Review*, 52(3), 641-700.

Hargreaves, I. (2011). "Digital Opportunity: A Review of Intellectual Property and Growth." *Intellectual Property Office Report*, 1-95.

Ramalho, G. (2021). "Artificial Creativity and Legal Gaps." *European Intellectual Property Review*, 43(7), 353-368.

#### Documents and Websites

- World Intellectual Property Organization (WIPO). (2021). WIPO Intellectual Property and Artificial Intelligence Policy Recommendations. [<https://www.wipo.int>](<https://www.wipo.int>)
- Reuters. (2025). Sweden Launches AI Music Licence to Protect Songwriters. Reuters.
- Reuters. (2025). Anthropic's \15 Billion Copyright Settlement Faces Scrutiny. Reuters.
- United Nations Educational, Scientific and Cultural Organization (UNESCO). (2023). Artificial Intelligence and Intellectual Property: Policy Guidelines. [<https://www.unesco.org>](<https://www.unesco.org>)
- U.S. Copyright Office. (2023). Copyright and Artificial Intelligence. U.S. Government Printing Office.
- U.S. Copyright Office. (2025). AI-Generated Works and Copyright Eligibility. U.S. Government Printing Office.
- Islamic Consultative Assembly (Majlis). [<https://www.majlis.ir>](<https://www.majlis.ir>)